

دست اسلام سیاسی از زندگی زنان کوتاه

متن سخنرانی در کنفرانس کمیته برگزار
روز جهانی زن در ونکوور

تبعیض علیه زنان یک مشخصه مهم دنیای امروز است. در بخش اعظم کشورهای جهان، زنان رسماً و قانوناً از همان حقوق و آزادی‌های محدودی هم که مردان از آن برخوردارند محروم هستند. این نابرابری در متن مکانیسم اقتصادی سرمایه‌داری باز تولید میشود و زن عملاً از جهات بسیاری مورد تبعیض و ستم قرار دارد. اما در کشورهای که از نظر اقتصادی عقب افتاده‌ترند و به ویژه در جوامعی که نفوذ مذهب و سنت‌های کهنه بر نظام سیاسی و اداری و فرهنگی جامعه عمیق‌تر است، این ستمکشی شکل آشکارتر و زخم‌تری بخود میگیرد. ولی امروز بحث ما فراتر از اینست و بحث صرفاً بر "ستمکشی" زن نیست بلکه بر بر سر بردگی زن و یک فاجعه انسانی است.

بحث بر سر اسلام سیاسی در قدرت و حاکمیت
آپارتاید جنسی است و من تمرکز صحبت‌م را
روی این مساله میگذارم.

همه میدانیم که اسلام سیاسی یک جنبش
ارتجاعی و ضد انسانی معاصر است و این
جنبشی است که اسلام را ابزار اصلی بازسازی
سیستم دست راستی ترین سیاستهای طبقه
حاکمه و نظام حکومتی خود علیه طبقه کارگر
و چپگرایی در کشورهای مثل ایران قرار داده
است. سرکوب و تروریسم ابزار بقای آنست.

در برابر این جنبش کثیف ضد انسانی، ما
با یک جنبش قدرتمند خلاصی فرهنگی و
ضدیت با اسلام و مذهب بطور کلی بویژه در

میان جوانان روبرویم. جنبش‌رهایی زن بیان دیگری از این جدال بزرگ اجتماعی است. چرا که خصلت اصلی اسلام سیاسی و قوانین ارتجاعی اسلامی آن ضدیت با زن است. جمهوری اسلامی اولین حکومت اسلامی در یک کشور مهم منطقه و یک ستون و رکن مهم اسلام سیاسی است. جمهوری اسلامی تنها آلترناتیو بورژوازی ایران و جهان در مقابله با انقلاب ۵۷ بود. جمهوری اسلامی به دنبال یک انقلاب توده‌ای و به انحراف کشاندن و به شکست کشاندن این انقلاب به قدرت رسید. جمهوری اسلامی حکومتی است که انقلاب عظیم ۵۷ را با پرچم اسلام و انقلاب اسلامی در هم کوید و سلطه سرمایه‌داری در ایران را که در اثر انقلاب شدیداً به خطر افتاده بود،

حفظ کرد و وحشی ترین نوع سرمایه داری در جهان را در اینجا حاکم کرد. ضدیت با زن هویت این رژیم است. جمهوری اسلامی آشکارا بساط آپارتاید جنسی را بپا کرد. پرچم حجاب را برافراشت تا کل جامعه را مورد تعرض قرار دهد و تحت کنترل در آورد. در این حکومت زنان بوسیله قوانین حاکم تحت ستم و تحقیر و اذیت و آزار و بیرحمی سیستماتیک و هر روزه قرار گرفته اند. قتل‌های ناموسی یک محصول این حکومت است. مونا حیدری و مونا حیدری ها قربانیان این سیستم جنایتکارانه هستند. جمهوری اسلامی برای برقراری این سیستم تمام ابزار سرکوب از منبر و مسجد و صدا و سیما تا زندان و شکنجه و تجاوز و اسیدپاشی را به خدمت گرفت .

اما در مقابل زنان و کل جامعه ایستاده اند و نه گفته اند. اخیراً وحیدی وزیر کشور گفت که اگر انقلاب اسلامی بخواهد ضربه ببیند از ناحیه زنان است. اینها راست میگویند. چون حجاب و آپارتاید جنسی ارکان پایه ای حکومت است که چنین ترک بزرگی برداشته است. در همسایگی ایران طالبان نیز حکومت مرتجع جنایتکار دیگری مثل جمهوری اسلامی است که با توطئه آمریکا و غرب بار دیگر در افغانستان بر مسند قدرت نشست.

بنابراین در این دوره اسلام سیاسی را ما در هیبت جمهوری اسلامی ایران و در حکومت اسلامی طالبان میتوانیم ببینیم.

بطور واقعی جمهوری اسلامی به عنوان ستون فقرات اسلام سیاسی در ۴۳ سال حاکمیتش یک مدل حکومتی به غایت ارتجاعی، ضد بشر و ضد زن را نمایندگی کرده و میکند و الهام بخش نیروهای تروریست و اسلامی در شاخه های متفاوت جنبش فوق ارتجاعی این جنبش بوده و هست. و امروز طالبان نیز همین نقش را میخواهد در افغانستان بازی کند.

جمهوری اسلامی و امروز طالبان به لحاظ تحمیل قوانین فوق ارتجاعی اسلامی، ضدیت با تمدن و مدنیت و مدرنیسم مثل هم هستند و این تشابه این دو کشور را بیش از پیش در کنار هم قرار میدهد. دو حکومت بشدت ضد زن و

ضد انسان. که ضدیت با زن در حاکمیت آنها قانون است و هر روزه جاریست. در افغانستان همین الان حمله به زن و برقراری تحجر قوانین اسلامی ضد زن، ابزار سلطه بیشتر آنها بر این کشور است.

جمهوری اسلامی در بدو روی کار آمدنش با حمله به زن زیر پرچم حجاب اسلامی و برپا کردن بساط آپارتاید جنسی حملاتش به جامعه را آغاز کرد. فرمان خمینی برای تحمیل حجاب اجباری در همان روزهای آغاز حاکمیت رژیم شیپور جنگ با زنان و کل جامعه را به صدا در آورد. و تظاهرات قدرتمند هشت مارس ۵۷ پاسخ زنان و کل جامعه به این حکومت بود. این اولین رویارویی بزرگ زنان و کل جامعه

ایران با حکومت اسلامی بود. و این جنبش نوین زن بود که در آن مقطع آنچنان قدرتمند قد علم کرد و با شعار "آزادی نه شرقی، نه غربی جهانی است" بر جهان شمول بودن حقوق زن تاکید گذاشت. و امروز در ادامه ۴۳ سال نبرد جانانه، زنان در ایران در صف مقدم مبارزه علیه جمهوری اسلامی و آپارتاید جنسی اش قرار دارند. حجاب را همه جا کنار میزنند. به میدان آمدن دختران انقلاب بعد از خیزش مردمی سال ۹۶ نقطه اوجی در این حرکت بود. دختران انقلاب (اسم با مسمایی است) با سرچوب کردن حجاب به آپارتاید جنسی نه گفتند. مادران دادخواه در مضحکه انتخابات شجاعانه قدم علم کردند و گفتند رای ما سرنگونی است. در قم می بینیم که

دختران جوان عمامه آخوند را زیر پا له میکنند.
اینها چند نمونه از هزاران نمونه است. ما حتی
شاهد سر بلند کردن جنبش Me Too در ایران
هستیم که تابوها را به چالش میکشد و علیه
تجاوز شرعی و غیر شرعی قد علم میکند.
پدیده ازدواج های سفید یک مثال بارز دیگر
است. اگر قبلا دختران عصیان میکردند و ما
پدیده دختران فراری را داشتیم. الان نیازی
به فرار نیست. ازدواج های سفید را داریم. و
روابط انسانی دختران جوان و پسران جوان
همه قوانین متحجر اسلامی را زیر پا له کرده
است و داستان سنگسار این نوع شنیع و
جنایتکارانه مجازاتهای اسلامی را هم به زباله
دان سپرده اند.

الان دیگر مردم به تن فروش با دیده زن فاسد و تحقیر آمیز نگاه نمیکنند. بلکه به عنوان یک شغل و به عنوان قربانیان این سیستم نگاه می کنند. به همین اعتراضات توده ای و اجتماعی معلمان نگاه کنید. زنان سخنرانند. شعار میدهند. پشت تریبونها میروند و قطعنامه میخوانند و سازمانده هستند. در خیزش های مردمی در اصفهان و خوزستان و سال ۹۸ و قبل از آن نیز زنان در صف جلو بودند. در اعتراضات معلمان زن معلمی را می بینیم که با شهامت میگویند "اگر میخواهید امنیت برقرار شود بروید چپاولگران و دزدان را بگیرید". و زن دیگری در اهواز را میبینم که میگوید حوزه علمیه اجازه ندارد به مدارس بیاید. این موقعیت جنبش رهایی زن در ایران است.

حتی مونا حیدری درست است که به نحو فجیعی قربانی شد. اما او دختری بود که عصیان کرد و خانه و شوهر تحمیلی اش را قبول نکرد و زیر بار نرفت. به شیوه اسلام داعشی سرش را بریدند. اما سراسر جامعه دادخواه شد. معلم معترض گفت این نتیجه آموزش ایدئولوژیک است و بر آموزش غیر ایدئولوژیک و انسانی و مدرن و رایگان کوبید و از اتحاد جنبش معلمان با جنبش رهایی زن سخن گفت. از همه جا صدای اعتراض به قتل مونا حیدری بلند شد.

اینها و هزاران نمونه دیگر همه نشانگر موقعیت جنبش رهایی زن در ایران است. اینها همه نشانگر رنگ زنانه جنبش سرنگونی در ایران

است. جنبشی که مدرن، آزادیخواه، برابری طلب و چپ و انسانی است. جنبشی که مهر هشت مارس را به صحنه سیاسی در ایران کوبیده است. و این جامعه ایست که هر روز در کف خیابان دارد سرود آزادی خواهی سر میدهد و از برابری و جامعه ای انسانی سخن میگوید. ما صدای این جنبش هستیم. هشت مارس روز جهانی زن روز نه به آپارتاید جنسی و ارتجاع ضد زن است.

حرف آخرم اینست که جمهوری اسلامی سر مار اسلام سیاسی است. اما موقعیتش در منطقه و در جنبش اسلام سیاسی بشدت تضعیف شده است.

جمهوری اسلامی این حکومت ضد زن با تمام قوانین ارتجاعی اسلامی اش باید به زباله دان تاریخ سپرده شود. باید جمهوری اسلامی این سر مار اسلام سیاسی را له کرد. جمهوری اسلامی باید بخاطر تمام سرکوبگری ها و جنایاتش از جمله جنایت در قبال زنان در سطح جهان به انزوا کشیده شده و بایکوت شود.

سرنگونی جمهوری اسلامی تاثیر مستقیم خود را بر انقلابی انسانی و رهایی بخش در افغانستان و کل منطقه خواهد گذاشت. سرنگونی جمهوری اسلامی تاثیر تعیین کننده ای بر موقعیت و سرنوشت کل جنبش اسلامی دارد. سرنگونی جمهوری اسلامی با قدرت انقلاب مردم ورق را تماما به نفع عروج چپ و

سکولاریسم در کل منطقه برخواهد گرداند. و
تاثیر مستقیمی بر امنیت زنان و همه مردم در
منطقه و کل جهان دارد و خواهد داشت.

سرنگونی جمهوری اسلامی به قدرت انقلاب
مردم تیر خلاص بر جنبش اسلام سیاسی در
کل دنیا است و کل نیروهای این جنبش حتی
سازمانها و دولتهای اسلامی مخالف و رقیب
جمهوری اسلامی را به شدت تضعیف کرده و
به سرایش سقوط خواهد انداخت. زنده باد
روز جهانی زن!

۸ مارس ۲۰۲۲

وب سایت:

www.wpiran.org

تماس با حزب:

پیامگیر تلگرام: **wpi_tamas@**

و یا با ارسال پیام به شماره

۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵

از طریق سیگنال، واتساپ و تلگرام و اینستاگرام